

منع تعدد زوجات

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امر الله

اصلی فارسی



لوح رقم (71) امر و خلق - جلد 4

۷۱ - منع تعدد زوجات

و نیز در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ: "إيّاكم أنّ تجاوزوا عن الإثنتين و الذي اقتنع بواحدة من الإماء استراحت نفسه و نفسها"

و از حضرت عبدالبهاء خطاب بصدر فریدنی است قوله العزیز: "أما زوجة ثالث وجهاً من الوجوه جائز نه بکلی ممنوع ولو هر دو زوجه نا موافق و ترکشان غیر ممکن و اولاد غیر موجود مع هذا بعذری معذور نگردد حتی زوجه ثانیه مشروط بعدل است و عدل بسیار مشکل طوی لمن له القدرة علی ذلك"

و از آن حضرت است قوله العزیز: "در خصوص مساوات بین الضلعین که یکی موقنه و دیگری غیر مؤمنه سؤال نموده بودید البتّه مساوات در معاملات از جمیع جهات لازم است ولی عدالت که شرط است از قبیل محال و جواز تعدد زوجات در کتاب الهی مقید و مشروط بعدالت است و چون عدالت مستحیل لهذا باید اکتفا بیکی کرد ذلكم خیر لکم ان کنتم تنصفون"

و قوله العزیز: "در خصوص تعدد زوجات سؤال نموده بودی بنص کتاب الهی جمع بین زوجتین جائز و ابدأ این ممنوع نه بلکه حلال و مباح لهذا شما محزون باشید در فکر عدالت باشید که بقدر امکان عادل گردید آنچه ذکر شده این است که چون عدالت بسیار مشکل است لهذا راحت در زوجهء واحده است و لکن شما حال که چنین است البتّه غمگین باشید"



ORIGINAL

و در سؤال و جوابی با آن حضرت است: " سؤال: تعدّد زوجات چگونه است؟ جواب: در قرآن کلمهء فان خفتم الا تعدلوا فواحدة دلالت بر این مینماید که عند الله حکم واحد مقبول است لکن علماء اسلام تعدیل را در اکل و شرب و لباس و اسباب زندگانی معین نمودند و سبب حکم ثلاث و رباع این بود که در زمان حضرت کثرت ازدواج در میان عربها اندازه نداشت لهذا امر بثلاث و رباع و مشروط بتعدیل فرمودند و الا تعدّد زوجات سبب فساد عاقله است اما ازدواج البتّه جنس بعید بهتر است "

و قوله العزیز: " و اما در خصوص تعدّد زوجات منصوص است و ناسخی ندارد عبدالبهاء این حکم را نسخ نموده این از مفتریات رفقا است ولی من میگویم عدالت در تعدّد زوجات شرط فرموده اند تا کسی یقین بر اجرای عدالت نکند و قلبش مطمئن نشود که عدالت خواهد کرد متصدی تزویج ثانی نشود و چون حتماً یقین نمود که در جمیع مراتب عدالت خواهد کرد آنوقت تزویج ثانی جائز چنانچه در ارض مقصود احباً اراده تزویج ثانی نمودند ولی باین شرط و این عبد ابدأً احتراز نمود و اصرار کرد که باید عدالت نمود و عدالت بدرجهء امتناع است ولی گفتند که ما عدالت خواهیم کرد و ارادهء تزویج ثانی دارند این افتراء از زمزمه های آنهاست که القای شبهات مینمایند و چقدر امر را مشتبه میکنند مقصود این است که تعدّد زوجات بدون عدالت جائز نه و عدالت بسیار مشکل است "

و قوله: " ای کنیز الهی نامهء شما رسید تعدّد زوجات مبارک پیش از نزول کتاب اقدس بوده لهذا بحسب شریعت و نظر بحکمتهای متعدده پیش از نزول کتاب اقدس جمع بین دو زوجه فرموده اند در زمان واحد در دورهء ابراهیم و موسی و نزد داود و سلیمان تعدّد زوجات جائز بود یعقوب جمع بین چهار کرد و ابراهیم زوجات متعدده داشت و داود نود و نه زوجه داشت اما حضرت بهاءالله جمع دو زوجه در شریعت سابقه فرمود و چون یکی از آندو در گذشت دیگری بعقد نکاح در آمد ولی بعد از نزول کتاب اقدس ختم شد تجدیدی نگشت و این تعدّد پیش نظر بحکمتی بود اما کتاب اقدس مرجع احکام است بموجب آن باید عمل شود بنص انجیل طلاق حرام است اما در تحریم تعدّد زوجات نص قاطعی در انجیل نیست ولی توحید زوجه بعد از حضرت مسیح اجرا شد اما بنص کتاب اقدس در تزویج فی الحقیقه توحید است زیرا مشروط بشرط محال است "

و در خطاب به مستر روی ویلهلم نیویورک قوله العزیز: " و اما جواب مسیس جون برات حضرت بهاءالله پیش از نزول کتاب اقدس بحسب شریعت سابقه و حکمت بالغه تعدّد زوجات فرمود ولی بعد از کتاب اقدس منطوق کتاب مجری بود از این گذشته بعضی احکام مخصوصه است که تخصیص بجمال مبارک دارد شمول بدیگران ندارد نظیر حضرت مسیح مغفرت خطایا که اختصاص بان حضرت داشت و منع قصاص که فرمود هر کس که مستحق حد نباشد برخیزد و این زانیه را حد مجری دارد این حکم اختصاص بحضرت مسیح داشت دیگران حق ندارند "

و قوله الجمیل : " هو الله ای مشتاق ملکوت ابهی چنانچه نگاشتی معلوم و واضح گشت هر چند کلک این عبد ایامی چند از تحریر باز ماند ولی الحمد لله بفضل و عنایت جمال ابهی تکرار بذکر حق مشکین گردید و نفعات محبة الله از مدادش منتشر لهذا بجواب نامه پرداختم تا بدانی که دمی از یاد نروی و همواره بفکر منی از خدا خواهم که نجل کریم آقا علی اکبر را خوی ربانیان بخشد و از تبدل زوجات فراغت یابد زیرا این قضیه منافی رضای الهی است و مخالف عدل و انصاف عالم انسانی زیرا نساء نیز در احساسات جسمانی و روحانی مانند رجال اند اگر زنی هر روز ضجعی جوید این حرکت دلیل بر بی عفتی وی است چون بحقیقت نگری رجال نیز مانند آن از خدا خواهم که این عادت را ترک نماید "

و از حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایران است قوله المطاع : " تجاوز از یک زوجه و کتمان عقیده با وجود تحذیر و تأکید و نصیحت امنای محفل روحانی نتیجه اش در این ایام محرومیت از حق انتخاب در جامعه و از عضویت محافل روحانیه است ولی این انفصال اداری است نه روحانی قرار قطعی و حکم نهائی راجع بامنای بیت العدل اعظم است "

و قوله الصریح : " نص مبارک راجع بتوحید زوجه شامل بر نفوسیکه از سابق دارای دو زوجه میباشند نبوده و نیست "

و قوله الفصل : " طلاق زوجه ثانیه که علت کسر حدود الله گشته شرط رجوع و قبول در جامعه است "